

مرتضی نجفی قدسی در یادداشتی نوشت:

ساختن حوزه‌های لاکچری چرا؟!

یکی از کارهای غلط که بسیار مخرب و تأثیر منفی در جامعه دارد، ساخت حوزه‌های علمیه لاکچری است، گویا هتل پنج‌ستاره هستند! آن هم با چه سرمایه‌ای و منشأ این پول‌ها کجا بوده است که محل حرف است.

به گزارش سایت خبری پرسون، یکی از کارهای غلط که بسیار مخرب و تأثیر منفی در جامعه دارد، ساخت حوزه‌های علمیه لاکچری است، گویا هتل پنج‌ستاره هستند! آن هم با چه سرمایه‌ای و منشأ این پول‌ها کجا بوده است که محل حرف است! بنای حوزه لاکچری اُزگل که بی‌مسمی نام امام خمینی را بر آن نهاده‌اند، در مساحت حدود ۲۳ هزار مترمربع آن هم در یکی از بهترین نقاط بالای شهر تهران، از اول صلاح نبود و گرفتن این همه زمین با نفوذ در شهرداری و اوقاف صحیح نبود و از مظاهر اسراف است!

اگر هم می‌خواستند حوزه‌ای بسازند یک طبقه از همان مسجد جامع اُزگل را اختصاص می‌دادند کفایت می‌کرد و یا فوقش یک حوزه‌ای در زمینی سه هزار متری می‌ساختند نه ۲۳ هزار مترمربع!

گرچه در شمال تهران با وجود حوزه با سابقه چیدر که آن هم در مساحت ۲ الی ۳ هزار متری است و بسیار فعال و بارزش هست، دیگر نیازی به حوزه اُزگل نبود و اصلاً در شرایطی که کل ورودی سالانه حوزه تهران که ده‌ها مدرسه علمیه دارد به هزار نفر هم نمی‌رسد آیا ساختن چنین مدرسه‌ای در این مساحت بزرگ و هدر دادن اموال عمومی صلاح بود؟!

در پی حرف و حدیث‌های مربوط به حوزه علمیه لاکچری اُزگل و حواشی آن، مرتضی نجفی قدسی در یادداشتی ضمن بیان این مطالب، چنین نوشته است:

بسم‌الله الرحمن الرحيم

«وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ» (فاطر، ۱۰)

کسانی که با مکر و حيله و تزوير کارهای بد و خلافی انجام می‌دهند برایشان عذاب سختی خواهد بود و مکر و حيله و نیرنگ‌شان هم بطور کلی نابود خواهد شد.

در این روزها که بحث حوزه علمیه لاکچری اُزگل در تهران و حواشی آن نقل محافل و مجالس گشته و هرکس سخنی می‌گوید، به‌نظرم رسید به این موضوع از منظری کلی‌تر نگاهی داشته باشیم.

همه می‌دانند که خاستگاه حوزه‌های علمیه، تاریخی بیش از یک هزار ساله دارد و در طول این قرون علمای بزرگ اسلام زحمات زیادی کشیده‌اند تا منابع و مآخذ مذهب تشیع حفظ شود و روحانیونی که وارد این حوزه‌ها می‌شدند همواره تحصیل علم و تهذیب نفس را با هم پیش می‌بردند.

سلوک تمامی علماء شیعه همیشه حفظ ذی طلبگی و ساده‌زیستی و مردم‌داری بوده است و آنان در متن مردم با حداقل امکانات بیشترین ثمرات را برای حفظ دینداری مردم داشته‌اند و مردم عملاً با دیدن آنها و سلوک زندگی‌شان به ایمان و اعتقادات‌شان افزوده می‌شد.

همیشه نگاه مردم به یک روحانی در گذشته این بود که او ترک دنیا کرده و از مواهب زندگی به حداقل قناعت می‌کند و در عین حال پشت و پناه مردم محروم و ستمدیده است و تکیه‌گاهی محکم برای مردم بینوا و مستضعف است.

*آبروی روحانیت شیعه مرهون تلاش علمای گذشته است

مرحوم آیت الله شیخ ممدتقی شوشتری از برجسته ترین علمای شیعه و صاحب کتاب ارزشمند «قاموس الرجال» را در دهه شصت در شهرستان شوشتر می دیدم که زندگی بسیار ساده ای داشت ولی آنچنان در قلوب مردم خوزستان و مخصوصاً اهالی شوشتر جای داشت که تمام شوشتر به حرف او بودند و او هم واقعاً مجسمه تقوی و مردی الهی بود.

در ابتدای جنگ ایران و عراق که جنگ زدگان شهرهای مرزی، راهی دیگر شهرها می شدند، مردم شوشتر در مقابل خانه آیت الله شوشتری تجمع کردند و از او کسب تکلیف نمودند که در شهر بمانند و یا شوشتر را خالی کنند که او فرمود فردا جواب شما را می دهم و فردا که مجدداً مردم شهر تجمع کردند در یک کلام گفت: «بمانید» و با همین فرمایش ایشان تمام مردم شوشتر در شهر باقی ماندند و در کمال آرامش زندگی کردند و در طول ۸ سال جنگ هم هیچگاه شوشتر نه بمباران شد و نه موشک خورد و نه توپ های دشمن به آن اصابت کرد و با اینکه این شهر فاصله ای آنچنان تا مرز نداشت ولی واقعاً معجزه آسا از همه خطرات مصون ماندند و حتی برخی از تیپ ها و لشگرها به خاطر امنیت بالای شوشتر، پایگاه های عقبه خود را در اطراف شوشتر مستقر می کردند که البته این مقرها مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت ولی شهر شوشتر هیچگاه آسیب ندید! الان هم هنوز در شوشتر مردم با یاد و نام مرحوم آیت الله شوشتری زندگی می کنند و قبر مطهرش که حریمی دارد پیوسته زیارتگاه مردم شوشتر است و بسیاری از مردم شوشتر به یاد او بر بالای ماشین هایشان می نویسند «یا شیخ شوشتر!»

این واقعیت نمونه ای از یک روحانی واقعی که افتخار مذهب است و مردم هم به او عشق می ورزند.

در انقلاب اسلامی علت دلبستگی مردم به امام خمینی و جانبازی در راه اهداف او این بود که دیدند یک سیدی روحانی و مرجع تقلیدی که هوای نفس را در خود کشته و در مقابل ستمگران ایستاده و تمام وجهه همت او نجات مردم از حکومت ظالمانه شاهنشاهی است و قصد اعتلای دین و کشور را دارد و همواره سعی می کند سطح زندگی اش با توده مردم یکسان و یا حتی پائین تر از آنها باشد.

مثلاً در گرمای طاقت فرسای نجف که داشتن پنکه یک نیاز طبیعی بود، چون همه مردم قادر به خرید پنکه نبودند با خرید پنکه برای بیت اش مخالفت می کرد و یا در همان تابستان هایی که بسیاری به خانه های مجاور شط کوفه که خنک تر بود می رفتند، ایشان هیچگاه نمی رفت و خلاصه زندگی او بسیار ساده و معمولی به مانند اضعف مردم بود.

مرحوم آیت الله سیدحسن میرجهانی، مرحوم آیت الله طیب صاحب تفسیر «اطیب البیان»، مرحوم آیت الله شمس آبادی، مرحوم آیت الله شیخ عباسعلی ادیب، مرحوم آیت الله سیدمحمد رضا خراسانی، مرحوم آیت الله سیدحسین خادمی و بسیاری دیگر از علمای بزرگ اصفهان مرحوم آیت الله العظمی سیدعلی بهبهانی، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، مرحوم آیت الله العظمی سیدمحمد رضا گلپایگانی، مرحوم آیت الله العظمی نجفی مرعشی که تا آخر عمر مستطیع نشد و به حج مشرف نگشت و بسیاری دیگر از عالمان شیعه، همه اینها مظهر معنویت، تقوی، زهد و قداست بودند و مردم با دیدن آنها به خدا ایمان می آوردند و واقعاً ستون های دین مردم، این گونه عالمان بودند.

هیچگاه از خود پرسیده ایم که اینها کجا پرورش پیدا کردند؟ در ناز و نعمت بودند و یا در سخت ترین وضعیت به این مراحل رسیدند و ساخته شدند؟ عالمانی را در نجف می شناختم که هفته ای دو روز به کارگری و بنایی می رفتند تا بتوانند بقیه هفته را درس بخوانند و قوت لایموتی برای خود و خانواده فراهم کنند، که یکی از اینها به من گفت من خودم نان خالی می خوردم ولی برای همسر باردارم ماست هم تهیه می کردم!

این روحانیت مظلوم، آبروی شیعه و روحانیت را با چنین مشقاتی حفظ کرده اند و لیکن متأسفانه در سال های اخیر رفتار و سلوک برخی از روحانیون که مخصوصاً مسئولیت هایی در دستگاه و یا جامعه دارند، ضربه های شدیدی به روحانیت و حوزه های علمیه زده است.

*بنای حوزه لاکچری اژگل در شمال تهران

یکی از کارهای غلط که بسیار مخرب و واکنش منفی در جامعه دارد، ساخت حوزه های علمیه لاکچری است، گویا هتل پنج ستاره هستند، آن هم با چه سرمایه ای و منشأ این پول ها کجا بوده است که محل حرف است!

مثلاً بنای حوزه لاکچری اژگل که بی مسمی نام امام خمینی را در مساحتی حدود ۲۳ هزار مترمربع آن هم در یکی از بهترین نقاط بالای شهر تهران، از اول صلاح نبود و گرفتن این همه زمین با نفوذ در شهرداری و اوقاف صحیح نبود و از مظاهر اسراف است! اگر هم می خواستند حوزه ای بسازند یک طبقه از همان مسجد جامع اژگل را حوزه می کردند و یا فوقش حوزه ای در یک زمین سه هزار متری می ساختند نه ۲۳ هزار مترمربع!

گرچه در شمال تهران با وجود حوزه با سابقه چیدر که آن هم در مساحتی ۲ الی ۳ هزار متری است و بسیار فعال و باارزش است دیگر نیازی به حوزه اژگل نبود و اصلاً در شرایطی که کل ورودی سالانه حوزه تهران که ده ها مدرسه علمیه دارد، به هزار نفر نمی رسد آیا ساخت چنین مدرسه ای و هدر دادن اموال عمومی صلاح بود؟!

عجیب اینست که در ساخت این مدرسه بسیار خودخواهانه عمل کردند و حقوق همسایگان را هم ضایع کردند و دیواری طولانی کشیدند و حداقل سه متر باید در طول مسیر عقب نشینی می کردند تا لااقل هم خودشان و هم اهالی اژگل و همسایگان حوزه در رفت و آمد اتومبیل هایشان به زحمت نیفتند که متأسفانه اصلاً رضایت مردم و اهالی محل ملاک نبوده است و حال آنکه این باغ ها که شریان های تنفسی تهران هستند باید تبدیل به فضای سبز و پارک عمومی برای همه مردم می شد، در این منطقه نزدیک ترین پارک وسیع، پارک نیاوران در اقدسیه تجریش است که حداقل پنج کیلومتر با این مکان فاصله دارد.

*معیشت طلاب، مهمتر از حوزه ساختن است

امروزه مهمتر از حوزه علمیه ساختن، اداره معیشت طلاب است که بسیار در عسر و حرج هستند، چه بسیار طلابی که با شهریه‌های اندک و با این تورم، خرج زندگی‌شان تأمین نمی‌شود و مجبور هستند نصف بیشتر فرصت خود را در اسنپ و پیک موتوری و کار کردن در مغازه‌ها و فروشگاه‌ها و رستوران‌ها بگذرانند! آنوقت برخی آقایان بروند هی ساختمان بسازند و بسیاری از طلاب از تنگی معیشت زندگی درس را رها کرده و به شهرهای خود بازگشته‌اند و یا حتی همسران آنها نتوانسته‌اند این زندگی طاقت‌فرسا در زیرزمین‌ها را تحمل کنند و طلاق گرفته‌اند و یا سوءتغذیه پیدا کرده‌اند! امثال آقای صدیقی باید آن یک میلیارد تومان درآمد هتل جهان را تقدیم مراجع تقلید کنند تا صرف همه طلاب کشور شود.

بنده مطلع بعضی مواقع همین مراجع موجود در حوزه قم برای شهریه ناچیز ماهانه طلاب کشور در تأمین این مبلغ می‌مانند و در آخر به قرض متوسل می‌شوند! آنوقت صحیح است که حوزه لاکچری اُزگل برای خودش درآمد اختصاصی داشته باشد؟! گرچه بعید می‌دانم که این پول‌ها صرف طلاب همانجا هم بشود، کسانی که از دو متر عقب‌نشینی صرف‌نظر می‌کنند و به حقوق همه مردم تعدی می‌کنند آیا حاضرند این پول‌ها را صرف طلاب کنند؟!

بسیاری می‌پرسند که مدرسه علمیه لاکچری اُزگل با کدام پول ساخته شده؟ خدا می‌داند، اما آنچه مسلم است اینست که بسیاری از افرادی که در اینکار سهم داشته‌اند بیشتر به خاطر موقعیت و منصب قضایی آقای صدیقی که در آن وقت قاضی‌القضات و رئیس دادگاه انتظامی قضات کشور بودند و تقریباً تمام قاضیان و مسئولان قضایی از ایشان حساب می‌بردند و حرف و نوشته ایشان بسیار بُرد داشت و لذا بسیاری از فرصت‌طلبان برای جلب حمایت وی سعی می‌کردند در ساخت این حوزه علمیه و یا هر کار خیری که ایشان دارد قدمی بردارند.

جالب توجه است روزی آقای صدیقی از بنده سراغ فردی را گرفتند که در تأمین بخشی از آهن‌های حوزه اُزگل دخیل بود و گفتند مدتی است فلانی احوالی از ما نمی‌پرسد؟ حتی تلفن‌های ما را جواب نمی‌دهد! شما می‌دانید چرا؟! بنده هم عرض کردم بله و با صراحت گفتم آنوقت که اینها به شما کمک می‌کردند شما در مسئولیت قضایی بودید و حالا دیگر آن مسئولیت را ندارید و صرفاً مشاور قضایی هستید و اضافه کردم آیا می‌خواهید بدانید آن روزی که شما از منصب قضائی کنار رفتید این شخص، چه حال بدی پیدا کرد؟! آنقدر با دست‌هایش روی پاهایش می‌زد و می‌گفت بخشی شانس! این همه خرج کردیم تمام زحمات‌مان برباد رفت!

مطمئناً اگر آقای صدیقی مسئولیت‌های بالا را نداشتند هیچگاه نمی‌توانستند نه زمینی به وسعت ۲۳ هزار متر بگیرند و نه بتوانند میلیاردها صرف کنند و حوزه‌ای در آن بسازند که معلوم نیست چقدر کارایی و نتیجه دارد.

اجمالاً اصل حوزه علمیه در قم است و تا طلبه‌ای به قم نرود ملاً نمی‌شود، حتی حوزه‌های اصفهان و مشهد هم که اساتید نسبتاً خوبی دارند، باز هم طلاب را از عزیمت به قم و کسب فیض از اساتید بزرگ و گرانقدر آن حوزه بی‌نیاز نمی‌کند. بنابراین تلاش‌ها باید در جهت تقویت حوزه قم باشد و از حرکت‌های موازی پرهیز شود و سرمایه‌ها را هم در جهت تأمین معیشت طلاب بکار گیرند والا معلوم نیست این ساختمان‌ها تا کی وصال دهد و بسا فردا روزی تغییر کاربری پیدا کنند! کما اینکه در مجموعه هتل بین‌المللی عباسی اصفهان بخشی از اتاق‌ها، همان حجراتی است که در کنار مدرسه چهارباغ در عهد صفوی ساخته شده و هم‌اکنون بازسازی و به عنوان هتل پنج ستاره مورد استفاده گردشگران است.

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود & ۸۸; ndash)